



# تأثیر قرض الحسنه در ایجاد امنیت اجتماعی



عبدالرحمن نجفی عمران

مدرس حوزه علمیه قم و دانشگاه بین المللی المصطفی (ص)

یکی از نعمت‌های بسیار مهم الهی در عرصه اجتماعی، امنیت است، به گونه‌ای که پیامبر گرامی اسلام (ص) در روایتی فرمودند: «نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ الْأَمْنُ وَالْعَاقِبَةُ؛ دو نعمت هستند که بسیاری از انسان‌ها قدر آن را نمی‌شناسند؛ امنیت و عاقبت». بنابراین بر انسان‌ها لازم است که هر چه بهتر و بیشتر به ایجاد و تداوم امنیت اجتماعی همت گمارد و یکی از چیزهایی که به ایجاد امنیت اجتماعی و تداوم آن یاری می‌رساند، قرض الحسنه است. از اینرو در مقاله‌ی پیش رو، تأثیر قرض الحسنه در ایجاد امنیت اجتماعی را مورد بررسی قرار داده‌ایم و به بررسی آثار قرض الحسنه در امنیت اجتماعی می‌پردازیم.

أَجْلَكَ وَ خَلَقْتِكَ لِأَجَلِي وَ وَهَبْتِكَ النِّبْيَا بِالْإِحْسَانِ وَ الْآخِرَةَ بِالْإِيمَانِ؛ ای بنده‌ام، من همه اشیاء را به خاطر تو خلق کردم و تو را هم برای خودم آفریدم و دنیا را با احسان خود به تو بخشیدم و آخرت را هم به وسیله ایمان به تو دادم» (حافظ برسی، ۱۴۲۲: ۲۸۳ - حر عاملی، ۱۳۸۰: ۷۱۰ - مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۶۴/۷).

خداوند متعال با آنکه تمام نعمت‌ها را در اختیار انسان گذاشت، در عین حال دستور به توزیع عادلانه ثروت و رفع فاصله طبقاتی داده است و به همین جهت خمس و زکات را واجب نموده است، همچنانکه در بسیاری از روایات، فلسفه وجوب زکات، توزیع عادلانه ثروت بین افراد جامعه اسلامی و برطرف شدن نیاز نیازمندان دانسته شده است.

امام صادق (علیه السلام) در روایتی فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي مَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَسْعُهُمْ وَ لَوْ عَلِمَ أَنْ ذَلِكَ لَا يَسْعُهُمْ لَرَادَهُمْ إِلَيْهِمْ لَمْ يُوْتُوا مِنْ قِبَلِ فَرِيضَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَكِنْ أُتُوا مِنْ مَنَعٍ مِنْ مَنَعِهِمْ حَقَّهُمْ لَا مِمَّا قَرَضَ اللَّهُ لَهُمْ وَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدَوْا حَقَّ قَوْمٍ لَكَانُوا عَائِشِينَ بِخَيْرٍ؛ خدای عز و جل به آن اندازه که برای فقرا کافی باشد، در اموال اغنیاء مقرر داشته است و اگر می‌دانست که این اندازه برای ایشان کفایت نمی‌کند، هر آینه آن را افزایش می‌داد،

یکی از عرصه‌های اثر گذاری قرض الحسنه، تأثیر آن در امنیت جامعه است و اعطای قرض الحسنه آثار فراوانی در عرصه‌ی امنیت اجتماعی دارد که برخی از آن عبارتند از:

## ۱- اجرای عدالت و دوری از ظلم در جامعه؛

اولین اثر قرض الحسنه در امنیت جامعه، اجرای عدالت و دوری از ظلم در جامعه است، زیرا هر چند هر آنچه بر روی زمین است، برای انسان آفریده شده است، چنان که در آیاتی از قرآن کریم آمده است:

الف- «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا؛ او خدای است که همه آنچه در زمین است را برای شما آفرید» (بقره: ۲۹).

ب- «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ ما بنی آدم را گرامی داشتیم و آن‌ها را در خشکی و دریا بر مرکب‌های راهوار حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آن‌ها روزی دادیم و بر بسیاری از خلق خود برتری بخشیدیم» (اسراء: ۷۰).

بر اساس آیات فوق، تمام نعمت‌های آسمان و زمین، برای انسان و در جهت خدمت به انسان آفریده شده است، همچنانکه در حدیث قدسی آمده است: «عبدی خلقت الأشياء



سخنی ها و تنگدستی‌هایی که به فقرا می‌رسد، ارتباطی به فریضه‌ی خدای عز و جل ندارد، بلکه این مشکلات از طرف کسانی به ایشان می‌رسد که از پرداختن حقتشان امتناع کرده‌اند و اگر مردم، حقوق فقرا را می‌پرداختند، هر آینه آنان به خوبی و خوشی زندگی می‌کردند» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۲/۲۲۸ - تمیمی مغربی، ۱۳۸۵: ۱/۲۴۵ - صدوق، ۱۳۸۶: ۲/۳۶۹ - صدوق، ۱۴۱۳: ۲/۳).

آن حضرت در روایت دیگری فرموده‌اند: «إِنَّمَا وَضَعَتِ الرَّكَاهُ اخْتِبَارًا لِلْأَغْنِيَاءِ وَمَعُونَةً لِلْفُقَرَاءِ وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدَوْا زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ مَا بَقِيَ مُسَلِّمٌ فَقِيرًا مُحْتَاجًا وَلَا سَتَعْنَى بِمَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ وَإِنَّ النَّاسَ مَا أَفْتَقَرُوا وَلَا أَحْتَاوُوا وَلَا جَاَعُوا وَلَا عَرَوْا إِلَّا بِذُنُوبِ الْأَغْنِيَاءِ وَحَقِيقَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَمْنَعَ رَحْمَتَهُ مَنْ مَنَعَ حَقَّ اللَّهِ فِي مَالِهِ؛ همانا زکات برای آزمایش اغنیا و کمک به فقرا وضع شده است و اگر مردم، زکات اموال خود را می‌پرداختند، هیچ مسلمانی فقیر و محتاج نمی‌ماند و هر آینه با سهمی که خدای عز و جل برای او مقرر فرموده است، مستغنی می‌شد و مردم، فقیر و محتاج و گرسنه و برهنه نشده‌اند، مگر به علت گناهان اغنیا و خدای عز و جل را سزاوار است که رحمت خود را از کسی که حق خدا، در مال خود را باز داشته است، بازدارد» (صدوق، ۱۴۱۳: ۲/۷).

از آنجایی که اجرای عدل و قسط و توزیع عادلانه ثروت، در ادیان الهی از جایگاه والایی برخوردار است و موجب آبادانی زمین می‌شود، خداوند متعال در نصوص فراوانی هم به آن دستور داده است و هم توزیع عادلانه ثروت‌ها و درآمدها، کنترل و نظارت بر حسن جریان امور و قیام به عدالت را در گرو پیروی از شرایع الهی است و در آیاتی نظیر «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب آسمانی و میزان نازل کردیم، تا مردم قیام به عدالت کنند» (حدید: ۲۵)، فلسفه بعثت انبیاء (علیهم‌السلام) را اقامه قسط و عدل بیان نمود، زیرا هر چند بشر بتواند با علم و تجربه، الگوهای برای نظام‌های اجتماعی طراحی کند، ولی تأمین عدالت، مقوله دیگری است که بشر به لحاظ تأثیرپذیری از نفع‌طلبی‌های فردگرایانه به یقین، به تنهایی از عهده آن بر نمی‌آید.

برای آبادانی زمین و اصلاح آن، اجرا و رواج عدل و قسط لازم است و هیچ چیزی پرفایده‌تر از آن نمی‌باشد، چنانکه امام صادق (علیه‌السلام) فرموده‌اند: مراد از آیه‌ی شریفه «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا؛ خدا زمین را پس از مرگش احیای می‌گرداند» (حدید: ۱۷)، احیای زمین به سبب باران نبوده، بلکه مراد آن است که خدا انسان‌هایی عدالت‌پیشه می‌آفریند و زمین از دوراه احیای می‌گردد:

۱) احیای عدل.  
۲) اقامه حدودی که از بارش چهل شبانه روز برای زمین نافع‌تر است (کلینی، ۱۴۰۷: ۷/۱۷۴ - طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰/۱۴۶ - عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۴/۱۷۳).  
بر اساس روایت مزبور، مراد از احیای زمین در آیه فوق، اقامه قسط و عدل بوده و با احیای از راه بارش باران فرق دارد.

با توجه به مطالب فوق، یکی از چیزهایی که در هر جامعه‌ای لازم و ضروری است، اجرای عدالت و رفع هر گونه تبعیض است که یکی از عرصه‌های آن، عرصه مالی است تا اموال، به گونه‌ی یکسان و عادلانه در دست همگان باشد و یکی از راه‌هایی که موجب توزیع عادلانه ثروت می‌شود، اعطای قرض الحسنه توسط اغنیا به نیازمندان است، بنابراین یکی از آثار قرض الحسنه

در بُعد امنیت اجتماعی، اجرای عدالت و برطرف نمودن ظلم و تبعیض است.

۲- تربیت‌پذیری افراد جامعه در مقاطع مختلف؛  
اصلی‌ترین و مهمترین هدف بعثت همه‌ی انبیای الهی (علیهم‌السلام)، تربیت افراد جامعه است و انبیای الهی (علیهم‌السلام) آمده‌اند تا افراد جامعه خویش را تربیت کنند، چنانکه در آیاتی از قرآن کریم آمده است:  
الف. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ او کسی است که در میان جمعیّت درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب و حکمت می‌آموزد، هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند» (جمعه: ۲).

ب. «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ خداوند بر مؤمنان منت نهاد، هنگامی که در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنها بخواند و آنان را پاک کند و کتاب و حکمت به آنها بیاموزد، هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند» (آل عمران: ۱۶۴).

بر اساس آیات فوق، فلسفه بعثت همه‌ی انبیای الهی (علیهم‌السلام) تعلیم و تربیت انسان‌هاست، تا از آنان انسان‌های مترقی‌ای بسازند که بتوانند همه عالم را تسخیر کنند و خلیفه‌ی الهی بر روی زمین باشند، چنانکه حضرت علی (علیه‌السلام) درباره‌ی فلسفه‌ی بعثت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده‌اند: «بَعَثَهُ وَ النَّاسَ ضَلَالًا فِي حَيْرَةٍ وَ حَاطِبُونَ فِي فِتْنَةٍ قَدْ اسْتَهْوَتْهُمْ الْأَهْوَاءُ وَ اسْتَزَلَّتْهُمْ الْكِبْرِيَاءُ وَ اسْتَحَفَّتْهُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ حَيَارَى فِي زَلْزَالٍ مِنَ الْأَمْرِ وَ بَلَاءٍ مِنَ الْجَهْلِ فَبَالَغَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي النَّصِيحَةِ وَ مَضَى عَلَى الطَّرِيقَةِ وَ دَعَا إِلَى الْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ؛ خدا پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را هنگامی مبعوث فرمود که مردم در حیرت و سرگردانی بودند، در فتنه‌ها به سر می‌بردند، هوی و هوس بر آنها چیره شده و خود بزرگ بینی و تکبر، به لغزش‌های فراوان کشانده بودند و نادانی‌های جاهلیت، پست و خوارشان کرده و در امور زندگی، حیران و سرگردان بودند و بلای جهل و نادانی دامن‌گیرشان بود، پس پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در نصیحت و خیرخواهی نهایت تلاش را کرد و آنان را به راه راست راهنمایی و از راه حکمت و موعظه نیکو، مردم را به خدا دعوت فرمود» (سید رضی، ۱۴۱۴: ۱۰۵).

تربیتی که ادیان الهی برای انسان‌ها به ارمغان آورده‌اند، شامل تمام عرصه‌های فردی و اجتماعی زندگی انسانی، نظیر علمی، اخلاقی، نظامی، سیاسی و ... می‌شود و یکی از عرصه‌های آن، تربیت اقتصادی است که در مقابل تربیت مادی‌گرایی وجود دارد و برای آنکه ادیان الهی، بتوانند تربیت اقتصادی را الهی محور نمایند و با متوجه عالم معنویت گردانند، راهکارهایی را ارائه نموده‌اند که با توجه به آیات و روایات، می‌توان به آن پی برد. نظیر آنکه مجموع زندگی انسانی را به عنوان یک پیکر دانسته و دستور داده است که هنگام مشکلات و گرفتاری‌ها، بعضی از آنان به کمک دیگران برسند و آنان را یاری نمایند و از راه انفاق و یا اعطای قرض الحسنه به یاریشان بشتابند، چنانکه در آیاتی از قرآن کریم آمده است:

«الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ؛ آنها که نماز را بر پا می‌دارند و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند، مؤمنان حقیقی هستند، برای آنان درجات فوق‌العاده‌ای نزد پروردگارشان است و برای آنها آموزش و روزی بی‌نقص و عیب است» (انفال: ۴-۳).

«مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»؛ کیست که به خدا قرض الحسنه‌ای دهد، تا آن را برای او، چندین برابر کند؟ و خداوند است که روزی بندگان را محدود، یا گسترده می‌سازد و به سوی او باز می‌گردد» (بقره: ۲۴۵).

آیات فوق درصدد تربیت انسان در بعد اقتصادی است و عواملی را برای آن بیان می‌کند و می‌رساند که یکی از اهداف ادیان الهی، تربیت انسان‌ها در عرصه اقتصادی است و یکی از راهکارهای آن، اعطای قرض الحسنه به نیازمندان و همنوایی و همدردی با آنان در هنگام مشکلات و گرفتاری‌هاست، بنابراین یکی از آثار قرض الحسنه در عرصه امنیت جامعه را می‌توان تربیت پذیری افراد جامعه در مقاطع مختلف بیان نمود.

### ۳- اجتناب از اقتصاد ربوی و آثار مخرب و پیامدهای شوم آن

از بدترین راه‌هایی که می‌تواند به مال‌اندوزی دامن‌بزند "ربا خواری" است که در اسلام کسب ربوی، بدترین نوع کسب‌ها شمرده شده و در سوره روم، که نخستین زنگ خطر در زمینه ربا خواری به صدا درآمده، می‌خوانیم: «مَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْضَعُونَ» آنچه را از ربا به عنوان زیادی در اموال مردم می‌پردازید، سبب زیادت مقام و مرتبه در پیشگاه خدا نخواهد بود، اما آنچه را به عنوان زکات برای رضای خدا می‌پردازید، آنها اموال شما را در حقیقت چند برابر می‌کند» (روم: ۳۹).

در مرحله دوم، در سوره‌ی نساء وارد شده که چهار چیز سبب شد که ما "طبیات" را بر قوم یهود تحریم کنیم: ستمگری، بازداشتن مردم از راه خداوند، ربا خواری و خوردن مال مردم از طریق باطل و در این باره آمده است: «أَقْبَلْتُ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمًا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بَدَّوهُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا وَ أَخَذَهُمُ الرِّبَا وَ قَدْ نَهَوْا عَنْهُ وَ أَكَلْتُمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»؛ به خاطر ظلمی که از یهود صادر شد و به خاطر جلوگیری کردن بسیار، از راه خدا قسمتی از چیزهای پاکیزه را که بر آنها حلال بود، تحریم کردیم و به خاطر ربا خواری، در حالی که از آن نهی شده بودند و خوردن اموال مردم به باطل، و برای کافران آنها عذاب دردناکی آماده کرده‌ایم» (نساء: ۱۶۰).

در مرحله سوم، در سوره آل عمران، لحن سخن داغ‌تر شده است و نوعی از ربا که در آن زمان رایج بود (ربای مضاعف) صریحاً مورد نهی قرار گرفته و در این باره آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَ اتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا را چند برابر نخورید و از خدا بپرهیزید تا رستگار شوید و از آتشی بپرهیزید که برای کافران آماده شده است» (آل عمران: ۱۳۱-۱۳۰).

در مرحله چهارم، در سوره‌ی بقره، تحریم قاطع و نهی صریح با عبارات کوبنده‌ای بیان شده و آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذُرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ فَان لَمْ تَفْعَلُوا فَاذْنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ فَان تَبْتِمُ فَلَكُمْ رُوُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَ لَا تَظْلَمُونَ»؛ ای مؤمنان تقوا پیشه کنید و آنچه از ربا باقی مانده است، رها سازید، اگر راستی ایمان دارید و اگر چنین نکنید، پس اعلان جنگ با خداوند و پیامبرش نمایید و اگر توبه کنید، اصل سرمایه‌های خود را می‌توانید، دریافت کنید که نه ظالم باشید و نه مظلوم» (بقره: ۲۷۸-۲۷۹).

در احادیث اسلامی نیز در مورد ربا خواری، بحث‌های فراوانی

دیده می‌شود، چنانکه در روایتی آمده است:  
الف. «شَرُّ الْمَكَاسِبِ كَسْبُ الرِّبَا» بدترین درآمدها، درآمد ربا است» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲/۲۵۵).

ب. «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ هَلَاكًا ظَهَرَ فِيهِمُ الرِّبَا» هنگامی که خداوند بخواهد جمعیتی را نابود کند، در آنها ربا را آشکار می‌شود» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/۶۷۱).

ج. «مَنْ أَكَلَ الرِّبَا مَلَأَ اللَّهُ بَطْنَهُ مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ بِقَدْرِ مَا أَكَلَ وَ إِنِ اكْتَسَبَ مِنْهُ مَالًا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ شَيْئًا مِنْ عَمَلِهِ وَ لَمْ يَزَلْ فِي لَعْنَةِ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ مَا كَانَ عِنْدَهُ قِيرَاطٌ» کسی که ربا بخورد، خدا شکمش را به مقداری که از ربا خورد، از آتش دوزخ پر سازد و اگر از ربا مالی کسب کند، خدا هیچ کاری را از او نپذیرد و همیشه به لعنت خدا و فرشتگانش گرفتار خواهد بود» (رشید الدین میبدی، ۱۳۷۱: ۱/۴۴۷).

دین اسلام، از طرفی با در نظر گرفتن تمام مضرات ربا خواری مواجه شد و آن را تحریم نمود و از طرف دیگر، نیاز افراد ضعیف و ناتوان به قرض و گرفتن اموال از دیگران را در نظر گرفت و برای رفع نیاز نیازمندان، در مقابل ربا، عنوان قرض الحسنه را مطرح نمود که انسان‌های غنی، اموال خود را برای مدت معینی در اختیار نیازمندان قرار دهند، بدون آنکه چشم داشت گرفتن ربا و زیاده مال داشته باشند تا به این سبب نیازمندان نیز مشکلات خویش را برطرف سازند و راهی برای رهایی از مشکلات پیدا کنند و با ربا خواری در جامعه اسلامی و زیان‌های خانمان سوز آن مبارزه شود.

### ۴- ایجاد تعادل اقتصادی در جامعه

از آنجایی که اسلام، دینی است که هر یک از دنیا و آخرت انسان را آباد می‌سازد و آنطور نیست که تک بعدی بوده و منحصر در مباحث معنوی شود و دنیا را فراموش نماید و یا منحصر در دنیا شود و آخرت را از یاد ببرد، چنانکه در روایاتی، با توجه به ضرورت یکسان‌سازی نگرش به دنیا و آخرت، آمده است:  
«أَحْرَثَ أَوْ عَمِلَ لِلدُّنْيَا كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ أَعْمَلَ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا» چنان برای دنیا تلاش کن که گویا برای همیشه در آن زندگی می‌کنی و چنان برای آخرت کار کن که گویا فردا می‌میری» (ابن‌العربی، بی تا: ۳/۱۴۸۳).

به همین دلیل در فرهنگ اسلام، کار و تلاش، نه تنها مورد تأکید و تشویق قرار می‌گیرد، بلکه عبادتی بزرگ محسوب می‌شود.

ابن‌اثیر در شرح حال سعد انصاری (رضی الله عنه) می‌نویسد: «هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از جنگ تبوک بر می‌گشت، سعد انصاری به استقبال آن حضرت شتافت و با وی مصافحه کرد، پیامبر فرمود: چه چیز باعث زبری دست شده است؟

عرض کرد: ای رسول خدا! من برای تأمین مخارج خانواده‌ام، با بیل و کلنگ کار می‌کنم.

آن‌گاه پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر دست او بوسه زد و فرمود: این دستی است که آتش دوزخ آن را نمی‌سوزاند» (مکرم شیرازی، بی تا: ۳۰/۲).

دین اسلام برای آنکه بتواند دنیای انسان را به شکل مطلوبی اداره کند، یکی از دستوراتش در زمینه‌ی اقتصاد، رعایت توازن و تعادل اقتصادی بین افراد جامعه و کم کردن فاصله و اختلاف طبقاتی است، از این رو عواملی را در جهت کاهش اختلاف طبقاتی و ایجاد تعادل اقتصادی در جامعه، در نظر گرفت، نظیر: الف. وجوب خمس؛ تا مقداری از اموال اغنیاء، از دستشان خارج گردد و به فقراء برسد، تا فاصله کمتری بین آنان باشد، به همین جهت در قرآن کریم آمده است:





«وَمَا أَفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أُوجِفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَا كُنَّ اللَّهُ يَسْلُطُ رَسُولُهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ آنچه را خدا به رسولش از آن‌ها بازگرداند، چیزی است که شما برای به دست آوردن آن، نه اسبی تاختید و نه شتری، ولی خداوند رسولان خود را بر هر کس بخواهد، مسلط می‌سازد و خدا بر هر چیز قادر است» (حشر: ۶).

«ما أَفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلرَّسُولِ وَلِلَّذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است، تا این اموال عظیم، دست به دست میان ثروتمندان شما نگردد» (همان: ۷).

ب. اعطای فیء به مهاجران در صدر اسلام؛ تا در اثر آن، تعادل اقتصادی ایجاد شود و مهاجران، همواره نیازمند به انصار نباشند، چنانکه در سوره حشر آمده است: «لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ؛ این اموال برای مهاجرانی است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شدند، آنها فضل الهی و رضای او را می‌طلبند و خدا و رسولش را یاری می‌کنند و راستگویند» (همان: ۸).

ج. تشریح قانون زکات؛ اسلام برای کم کردن فاصله طبقاتی در میان مسلمین قانون "زکات" را تشریح کرد و به ثروتمندان دستور داد تا سهم عادلانه‌ای از اموال و درآمدهای فردی خود را به عنوان زکات به بیت‌المال اسلام بپردازند، این اموال که روی هم رفته، رقم مهمی را تشکیل می‌دهد، نقش مؤثری در مبارزه با فقر و کم کردن فاصله طبقاتی و کمک به عمران و آبادی دارد، به گونه‌ای که در برخی روایات آمده است که مقدار زکات، به قدری دقیق تعیین شده که اگر همه کسانی که زکات بر آنها واجب است به وظیفه خود عمل کرده و آن را بپردازند، می‌توان به کلی فقر را از جامعه اسلامی ریشه کن ساخت و وجود فقر، تنها به خاطر این است که عده زیادی از اطاعت این دستور حیاتی امتناع می‌ورزند و آنها در پیشگاه خداوند بزرگ مسئولند، چنانکه امام صادق (علیه السلام) در روایتی فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ الزَّكَاةَ كَمَا فَرَضَ الصَّلَاةَ فَلَوْ أَنَّ رَجُلًا حَمَلَ الزَّكَاةَ فَأَعْطَاهَا عَلَاتِيَّةً لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ عَيْبٌ وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَكْتَفُونَ بِهِ وَلَوْ عَلِمَ أَنَّ الَّذِي فَرَضَ لَهُمْ لَا يَكْفِيهِمْ لَزَادَهُمْ إِنْمَاءً يُؤْتِي الْفُقَرَاءَ فِيمَا أُوتُوا مِنْ مَنَعٍ مِنْ مَنَعِهِمْ حَقُّوهُمْ لَا مِنَ الْفَرِيضَةِ؛ خداوند عز و جل زکات را مانند نماز فرض و مقرر فرموده است و از این رو اگر کسی زکات را حمل کند و آشکارا و بر ملا عطا نماید، باکی بر او نیست و این بدان جهت است که خدای عز و جل مقدار تأمین نیازمندی‌های فقرا را در اموال اغنیا مقدر و مقرر نموده است و اگر می‌دانست که آن مقدار مفروض و معین، ایشان را کفایت نمی‌کند، هر آینه آن را برای ایشان می‌افزود و هر گونه تنگ دستی و صعوبت معیشتی که متوجه فقرا شود، از جهت خودداری اغنیا از پرداخت حقوق ایشان است، نه از جهت مقدار زکات و نارسائی آن» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۴۹۸).

د. انفاق‌های مستحبی؛ یکی دیگر از عوامل توزیع عادلانه ثروت و مبارزه با فقر و توسعه فاصله طبقاتی است، انفاق ممکن است نسبت به اشخاص انجام گیرد و یا به صورت مؤسسات

خیریه‌ای در آید و با برنامه خاصی به وسیله نیکوکاران توزیع گردد و از این نظر تفاوتی نیست، بلکه صورت دوم، غالباً مؤثرتر و مفیدتر خواهد بود.

هـ. تشریح وقف؛ یکی دیگر از موضوعاتی که به هدف توزیع عادلانه ثروت و مبارزه با فقر و یا تمرکز سرمایه، کمک مؤثری می‌کند، مسأله وقف و اموال عمومی است.

و. اعطای اموالی در قالب قرض الحسنه از سوی اغنیا به نیازمندان؛ یکی دیگر از عواملی است که در جهت کاهش اختلاف طبقاتی و توزیع عادلانه ثروت و امکانات مادی در جامعه اسلامی اثر گذار است و به این ترتیب، یکی از آثار قرض الحسنه در بعد امنیت اجتماعی را می‌توان ایجاد تعادل اقتصادی در جامعه برشمرد.

### ۵- اجتناب از رقابت‌های ناسالم جامعه

پنجمین اثر قرض الحسنه در عرصه امنیت اجتماعی، جلوگیری و اجتناب از رقابت‌های ناسالم است، زیرا چنانچه سرمایه در یک جا جمع شود، فساد می‌آفریند و مفسد اخلاقی فراوانی به دنبال دارد، به همین جهت از تکاثر و مال اندوزی در روایات نهی شده است، چنانکه در روایتی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمده است: «سَيُصِيبُ أُمَّتِي دَاءُ الْأَمَمِ، قَالُوا: وَ مَا دَاءُ الْأَمَمِ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْأَشْرُ وَالْبَطْرُ وَالتَّكَاتُرُ وَالتَّنَافُسُ فِي الدُّنْيَا وَالتَّبَاعُدُ وَالتَّحَاسُدُ حَتَّىٰ يَكُونَ الْبَغْيُ ثُمَّ الْهَرَجُ؛ به زودی بیماری امت‌ها، امت مرا فرامی‌گیرد!

عرض کردند: بیماری امت‌ها چیست؟ فرمود: هوس رانی و عیاشی و فزون طلبی، مسابقه در دنیا پرستی، اختلاف و نفاق و حسد نسبت به یکدیگر و سرانجام به ظلم و ستم و سپس به هرج و مرج مبتلا می‌شوند» (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۶۴۵).

در روایت فوق، تکاثر و انباشتن اموال بر همدیگر، یکی از آسیب‌های اخلاقی است که پیامبر (ص) برای مردم آخر الزمان، پیش‌بینی می‌کند، زیرا تکاثر و محبت اموال، از اموری است که می‌تواند مشکلاتی را فراهم آورد و مردم را وادار به رقابت‌های ناسالم نماید تا در اثر آن، به اموال بیشتری برسند و دشمنی‌ها و جنگ‌های فراوانی به وجود آورد، زیرا مردم انگیزه‌های فراوانی برای حرکت به سوی مادیات و گسترش زندگی اقتصادی دارند و اگر عواملی آنها را کنترل نکنند، چنان شتاب می‌گیرند که تمام حد و مرزهای اخلاقی را شکسته و به سوی حرص و تکاثر و مسابقه در ثروت اندوزی می‌تازند، به همین جهت امام سجاد (علیه السلام) در روایتی فرموده‌اند: «معاشر أصحابی أوصيكم بالآخرة و لست أوصيكم بالدنيا فإنكم بها مستوصون و عليها حريصون و بها مستمسكون؛ یاران من! من شما را به جهان آخرت توصیه می‌کنم و درباره دنیا، سفارش نمی‌کنم، زیرا شما، نسبت به آن سفارش شده‌اید و بر آن حریص هستید و به آن چنگ زده‌اید» (صدوق، ۱۳۷۶: ۲۲۰).

اسلام از راه‌های مختلفی، نظیر پرداخت خمس و زکات و صدقات مستحبی و کفارات و...، با تکاثر و زراندوزی مقابله نمود که یکی از آن‌ها می‌توان قرض الحسنه بیان نمود تا آدمی به جای آنکه تمام عمر خود را در زراندوزی و آسیب‌های آن - که یکی از آن رقابت‌های ناسالمی است که بین انسان‌ها اتفاق می‌افتد و هر فردی در صدد آن است تا تفوق اقتصادی خود را به رخ دیگران بکشد و رقبای خود را شکست دهد، تا خود بهتر و بیشتر سود کند و به دنیای بیشتری برسد - به سر نبرد، بلکه مقداری به فکر آخرت خویش باشد و برای بهره‌مندی از ثواب‌های اخروی و درجات بهشتی، قسمتی از اموال خود را به شکل قرض الحسنه در اختیار فقرا و نیازمندان بگذارد، تا آنان نیز بتوانند از زندگی بهتری بهره‌مند شوند.



## منابع:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- ابن العربی، محمد بن عبدالله بن ابی بکر، احکام القرآن، بی جا، بی تا.
- ۴- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، دار الکتب العلمیة، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ.ق.
- ۵- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، غریب القرآن، بی جا، بی تا.
- ۶- تمیمی مغربی، ابو حنیفه نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، دوم، ۱۳۸۵ هـ.ق.
- ۷- حافظ برسی، رجب بن محمد، مشارق اسرار البقین فی انوار امیر المؤمنین (علیه السلام)، اعلمی، بیروت، اول، ۱۴۲۲ هـ.ق.
- ۸- حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیة فی الاحادیث القدسیة، انتشارات دهقان، تهران، سوم، ۱۳۸۰ هـ.ش.
- ۹- رشید الدین میبدی، احمد بن ابی سعید، کشف الاسرار و عدة الأبرار، امیر کبیر، تهران، پنجم، ۱۳۷۱ هـ.ش.
- ۱۰- زحیلی، وهبة بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج، دار الفکر المعاصر، بیروت، دوم، ۱۴۱۸ هـ.ق.
- ۱۱- سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ هـ.ق.
- ۱۲- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الامالی، کتابچی، تهران، ششم، ۱۳۷۶ هـ.ش.
- ۱۳- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، علل الشرائع، کتابفروشی داوری، قم، اول، ۱۳۸۶ هـ.ق.
- ۱۴- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی، قم، دوم، ۱۴۱۳ هـ.ق.
- ۱۵- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ناصر خسرو، تهران، سوم، ۱۳۷۲ هـ.ش.
- ۱۶- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چهارم، ۱۴۰۷ هـ.ق.
- ۱۷- عروسی حوزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، اسماعیلیان، قم، چهارم، ۱۴۱۵ هـ.ق.
- ۱۸- فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، سوم، ۱۴۲۰ هـ.ق.
- ۱۹- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، ناصر خسرو، تهران، اول، ۱۳۶۴ هـ.ش.
- ۲۰- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چهارم، ۱۴۰۷ هـ.ق.
- ۲۱- مدرسی، سید محمد تقی، من هدی القرآن، دار محبی الحسین، تهران، اول، ۱۴۱۹ هـ.ق.
- ۲۲- مکارم شیرازی، ناصر، موسوعه الفقه الاسلامی المقارن، بی جا، بی تا.
- ۲۳- مکارم شیرازی، ناصر، الخطوط الاساسیة للاقتصاد الاسلامی، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم، اول، ۱۴۲۵ هـ.ق.
- ۲۴- هاشمی خوبی، میرزا حبیب الله، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، مکتبه الاسلامیة، تهران، چهارم، ۱۴۰۰ هـ.ق.

## ۶- ایجاد وحدت و دوری از اختلافات و مشاجرات

ششمین اثر قرض الحسنه در عرصه امنیت اجتماعی، ایجاد وحدت و همدلی بین تمام افراد جامعه و دوری از اختلافات و مشاجرات است، زیرا چنانچه اغنیا، در موارد مختلف به یاد فقرا و نیازمندان باشند و مزه‌ی نداری و فقر را بچشند و با آنان همدلی نمایند، نوعی وحدت و برادری بینشان برقرار می‌گردد و هرگونه عقده و کینه و خصومتی را از بین می‌برد، زیرا زندگی اجتماعی بشر نیاز به تقسیم استعدادها و جاذبه‌های مختلف فکری و جسمانی و برنامه‌ریزی دقیق و تقسیم کار و همچنین نیاز به هماهنگی و همدلی و الفت میان دل‌ها دارد و افراد بشر، همچون آجرها و سنگ‌ها و قطعات مختلف یک ساختمان هستند که تا وسیله چسب و پیوند مؤثر در میان آنها نباشد، ساختمان با شکوهی از آن تشکیل نمی‌شود، یعنی هم باید اختلاف در اموری نظیر اموال و استعدادها و دانش‌ها و تجربه‌ها و ... باشد، تا یکی کارخانه داشته و دیگری نزد او کار کند، یکی استاد و آموزگار بوده و دیگری از او دانش بیاموزد، یکی متخصص در فن خاصی بوده و دیگری برای رفع نیاز خویش، به او مراجعه کند و ... تا زمینه‌ی اشتغال در جامعه پیش آید و کسب و کار ایجاد شده و رونق گیرد و از طرف دیگر، افراد جامعه، با روحیه وحدت و همدلی و برادری با یکدیگر برخورد نمایند، تا انس و الفت در آنان ایجاد شود و هرگونه نزاع و اختلافی از بین برود.

یکی از راه‌هایی که وحدت و همدلی در بین افراد جامعه ایجاد می‌نماید و آن را افزایش می‌دهد، آن است که اغنیا، به فکر نیازمندان باشند و در روز بیچارگی و درماندگی به آنان قرض بدهند و آبرویشان را حفظ نمایند، تا به این واسطه، آبروی نیازمندان حفظ بماند و در آنان عقده حقارت ایجاد نشود، بنابراین یکی از آثار قرض الحسنه در عرصه امنیت اجتماعی، ایجاد وحدت و همدلی بین تمام افراد جامعه و دوری از اختلافات و مشاجرات است.

## جمع بندی و نتیجه گیری

یکی از عرصه‌هایی که قرض الحسنه در آن اثرگذار است، عرصه امنیت اجتماعی است، زیرا قرض الحسنه موجب اجرای عدالت و دوری از ظلم، تربیت پذیری افراد جامعه در مقاطع مختلف، اجتناب از اقتصاد ربوی و آثار مخرب آن، ایجاد تعادل اقتصادی در جامعه، اجتناب از رقابت‌های قاسد در جامعه و ایجاد وحدت و دوری از اختلاف و مشاجرات در جامعه می‌گردد و به این واسطه موجب ایجاد امنیت در جامعه می‌شود.